

THE IMMORTAL HULK

MARVEL

16

LGY#733



دورنام

dorname.ir

کاری از: کیوان داوند

RATED T+

AL EWING • JOE BENNETT
RUY JOSÉ • PAUL MOUNTS

”این محل جایی برای کسب افتخار نیست.
در این محل از هیچ عمل شایسته‌ای تقدیر
نمی‌شود. به هیچ چیز ارزشی داده نمی‌شود.
چیزی که در اینجا است خطرناک و مشمئزکننده
است. این پیام هشدار است برای خطر.“

— اداره انرژی ایالات متحده

پرسید چه اتفاقی افتاده.
بعد یه صدای خفگی
در آورد. انگار گلوشو فشار
می دادند.

و تغییر
شروع شد.

هر وقت اون روز یا شب یادم
میداد، سالها تجربه ای که پشت
سر گذاشتم برام تداعی
می شه. ولی در اون لحظه،
فکر کردم اون مرده.

پوستش خاکستری شد، مثل یه جسد. تمام بخش های
بدنش شروع کرد به باد کردن. انگار می خواست منفجر
بشه. صدایی شبیه خرد شدن استخوان رو می شنیدم که
بخاطر کش اومدن استخوان ها بود.

کی می دونس از اون مسئله
چون سالم به در بیره؟ احتمالاً
مرده بود و این تقصیر من بود.

یادمه دعا می کردم... توری
که اصلاً سابقه نداشت... برای
زنده موندنش. "خواهش می کنم
خدا". بارها و بارها گفتم.

"خواهش می کنم نذار
دکتر بنر بمیره."

سایت پایگاه سایه ب.
مکان نامشخص.

خنده داره
که مسائل چطور
پیش می رن.

من یه بچه بیشتر نبودم.
هنوز از زندگی چیزی
نمی دونستم.

نمی دونستم زندگیم
منو به کجا خواهد برد.

نمی دونستم بدتر از مرگ هم چیزهایی
هستند.

اون موقع همه چیز برام عجیب
و تازه بود.

چطور می تونم
چیزی رو که
دیدم توضیح بدم؟

صورت دکتر از بین
رفته بود.

به جاش یه چیز دیگه دیده می شد.
چیزی که اصلا شبیه انسان نبود...
و نمی خواست انسان باشه.

یه چیز عصبانی.







این ملک
بنام الیزابت راس
بندر ثبت شده.



خدای
من...

بعد از مراسم تدفین
پدرش، از فرودگاه یه
تاکسی گرفت. راننده
گفته یه مرد بی خانمان منتظر
اون بوده... لاغر با موهای
قهوه ای.

و الان
اون مفقوده.



برای سه ساعت دیگه
یه پرواز برای لکس رزرو
کردیم. می تونی تا قبل از
غروب آفتاب خودتو به اونجا
برسونی.

بین خودمون
بمونه. هیأت مدیره
امروز صبح یه جلسه
تشکیل داده. قراره
تم رو توسعه بدیم.

دفترهای جدید،
کارمندهای بیشتر...
توزیع گسترده تر.



هرالد داره
بخاطر هالک به
یه نشریه ملی
تبدیل می شه.

بدون فشار.

خیلی هامی پرسن که چرا
بروس رو تعقیب می کنم؟
شاید حسادت باشه؟



درسته. بدون
فشار...

باید اقرار کنم... امروز صبح به
این فکر می کردم که بودن به
جای اون چطور می تونه باشه.

ولی همیشه موضوع بیش
از اینها بوده.

خیومکزیکو.

اینجاست.

بروس بنر جون
خودشو برای نجات
من به خطر انداخت. من
بهش مدیونم... همین.

فکر می کنی
همینجاست؟

...که دوباره همه چیزو
تکرار می کنه.

تو عمق وجودم می دونستم که کارها
به اینجا می رسه.

THUMMM

اون تونلیه که هالک کنده،
پس اینجا جاییه که بعد از
وقایع آیوا دولت منو آورد. این
کوهستان.

یا کسی دیگه،
به هر حال... بخش
عمده اش رو یادم
نمیاد. فکر کنم مرده
بودم.

ولی دقیقاً
همینجاها بودم، بعد
از اینکه هالک... بعد از
...اون...اون...

هیچی.

نمی تونیم وقتمون
رو بخاطر من تلف کنیم
لئونارد. اونها جسد
ریک رو دارند...

و ما در
این مورد مطمئنیم؟

بعد از
اینکه زد
بیرون.

...

مشکلی
پیش اومده
بروس؟



آره، مطمئنم.
با واقعیت هایی که
می دونیم جور
درمیا.

تو بودی که
با نگهبان گورستان
حرفه زدی، یادته؟



”جسد ریک رو از خاک درآوردند.
مردانی که لباس سیاه به تن داشتند
با مجوز رسمی.

”حتی به جراید هم نرسید
...موضوع از چه قرار بوده؟“



این سرنخیه
که دارم لئونارد، اینجا
نقطه هایی هستن که
می تونم به هم وصلشون
کنم. و باید کاری بکنم.

ریک مرد
چون من اونجا
نبودم. و بعد قاتلش
منو استخدام کرد...بخشی
از منو...تا به هدفش
برسه.



ماه ها
بود که حتی
نمی تونستم
سر قبرش برم.من
...شرمنده
بودم.

خوب، من
دوباره اونو از
خودم مایوس
نمی کنم.



بتی چطور؟ اون
به ما نیاز نداره؟

اون تیر خورد و
مرد...و بعد دوباره
بلند شد و یه دیوار رو
زد، خراب کرد و ازش
بیرون رفت.



”یه جورایی بعید می دونم
که ریک همچین چیزی رو
از سر می گذرونه...“

ببین... ما کل روز تو راه بودیم و من سعی کردم بهت فشار نیارم. ولی تو درد داری بروس. یه اتفاقی افتاده و تو داری پنهان می کنی.

ممکنه چند دقیقه با هم حرف بزنیم؟

متأسفم لئونارد.

وقتمون داره تموم می شه.

برای این...

جلسه.

ههرررر...

رررر ههه. چی شده سامسون؟

هیچی.

من... فکر نمی کنم بتونی بهم یکی اینجا چه اتفاقی افتاده هالک؟

من یه نفرو خوردم. اعصابمو خورد کرده بود.

قراره این کارو بکنیم یا نه؟

پایگاه سایه سایت آ.



هنن.

انگار از
وقتی اینجا
بودم کسی اینجا
رو تمیز نکرده.



به نظرم در مورد
ترک این محل دروغ
نمی گفتند.

به نظرم بروس
فکر می کرد می توانیم
ریک رو اینجا پیدا کنیم...



نه. بالاخره
یه چیزی پیدا
می کنیم.

آزاد بودن
من باعث شده
با عجله اینجا رو ترک
کنند. مطمئنم چیزی
جا گذاشتند...



هررره.

بوی گاما
میاد.



بذار ببینیم
اینجا چی
پیدا می شه
...

هووو
پسر.

وقتی گفتم
چیزی جا
گذاشتند...



فکر
کردم منظورت
سرنخه.



حتماً.



سرنخ های
خودم.

مردم فکر می کنند
هالک یه هیولاست.



هوووو!
هوووو!

آآو،
اینو ببین...

باشه، انکار یه چیزی
می خوان بکن.



اون...
فکر می کنه چیه
آدم هاست!

شاید بعضی
وقت ها باشه



ولی کی اوونو
اینطوری کرده؟

مرحله پیله... تقریباً کامل
شده ژنرال...

خدای من...



من در این مورد دو
نظر دارم.

اونی که زندگی بروس رو
نابود کرد من بودم. بدون ریک
جونز، هالکی در کار نبود، درسته؟



متأسفم
جونز.

واقعاً
متأسفم.

ولی چیزی هست که مدتی
وقت لازم بود تا درکش کنم.



بیا بر خورد
حرفه ای داشته باشیم
مک گوان...

ژنرال
فورتین، قربان؟

قبل از اون
هالک بروس رو
تسخیر کرده بود.



یا توجهمو
جلب کنه.

حق با شما
بود ژنرال. اونها
متوجه شدند.

اونها
فهمیدند. و
بسرعت اومدند.



خوبه.

با علامت
من شروع کنید.

پس اگه در
خونه تسخیر شده
بروس رو باز کنم...

...سوراخ های بزرگی روی دیوار بود.

کالیفرنیا

عجب گندی بالا اومده!

آره. خاطرات گذشتخ رو دوباره زنده کرد.

می دونید سر زنی که اینجا زندگی می کرد چه بلایی اومد؟ خانم راس بنر؟



همسر هالک؟ این پرونده رسماً به افراد مفقودالاثر مربوط می شه.

غیررسمی؟

خوب... ششم نزدیک ترین چیز نزدیک به یه متخصص هالک هستی که می تونم باهاش حرف بزنم... پس خوشحالم که باهاتون حرف می زنم خانم مک جی...

...ولی جزئیاتی در مورد این پرونده وجود داره که نمی تونیم به مردم اطلاع بدیم.

نیمی از مکالمه هایی که من دارم، ضبط نشدند کار آگاه.

و اگر شما بخواهید پیشتر برید، من از منابعم محافظت می کنم. می تونید از هر کسی در این مورد بپرسید.



پس ضبط نمی شه. پزشکی قانونی لکه های خون، تکه های استخوان و ماده مغزی پیدا کرده. پس زیاد خوب نیست.

یه نفر تو اون خونه مرده... قبل از اینکه به هم بریزه، از لکه های خونی که ریخته می شه حدس زد.



فکر می کنی هالک اونو کشته؟

شک دارم. ما یه جای گلوله پیدا کردیم که فکر می کنیم از بیرون شلیک شده.

برای اون یکی... خوب، هر چی اون دیوارها رو خراب کرده...





...اینو
جا گذاشته.



مثل پر
عقابه ولی...
قرمزیه رنگ
خون...

همونطور که
گفتم خانم مک
جی... در حال حاضر
شما متخصص هالک
ما هستید.



چطور
هالکی اینا
رو از خودش
جا می داره؟

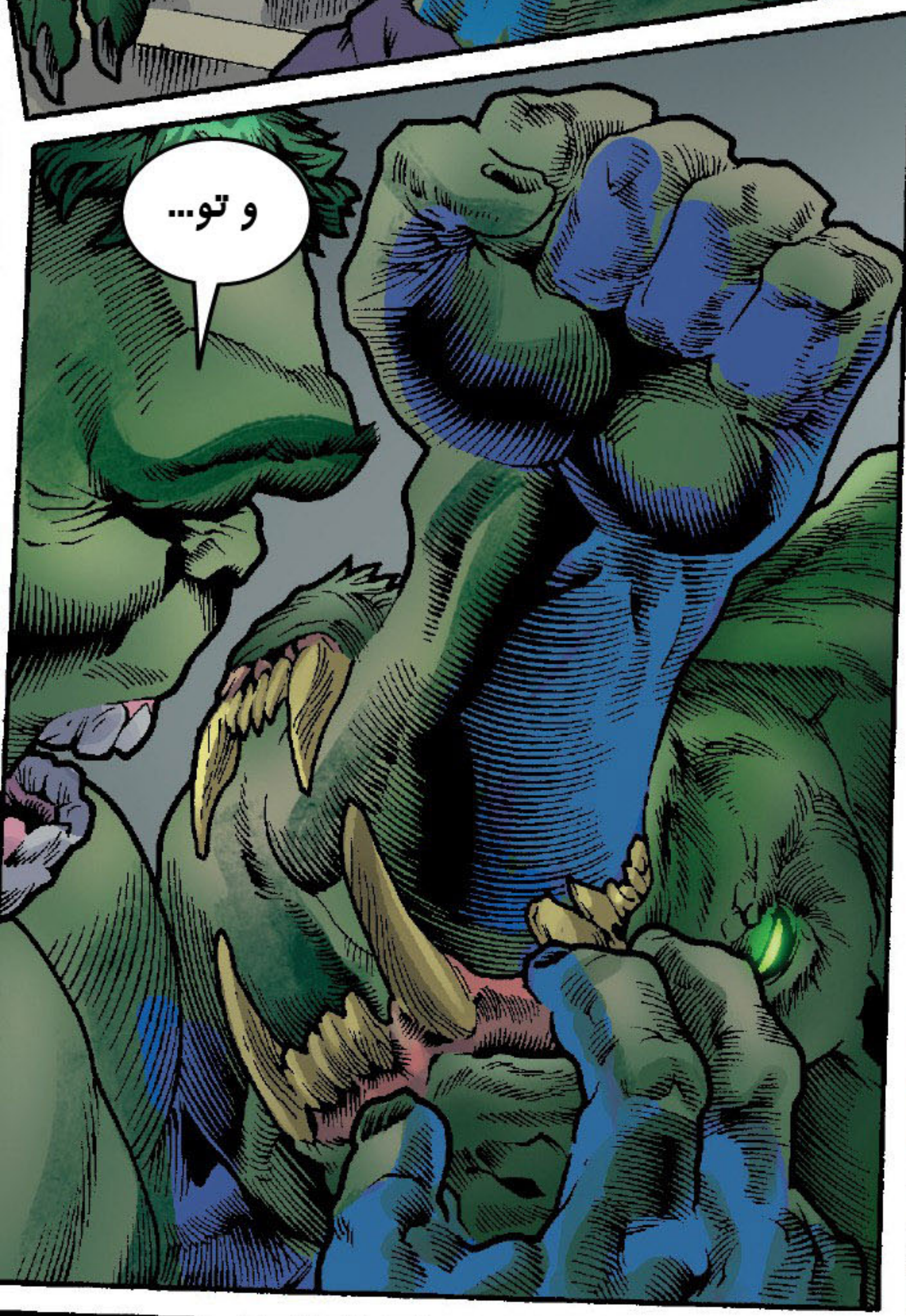
بیش از یک
نوع هیولا وجود
داره.



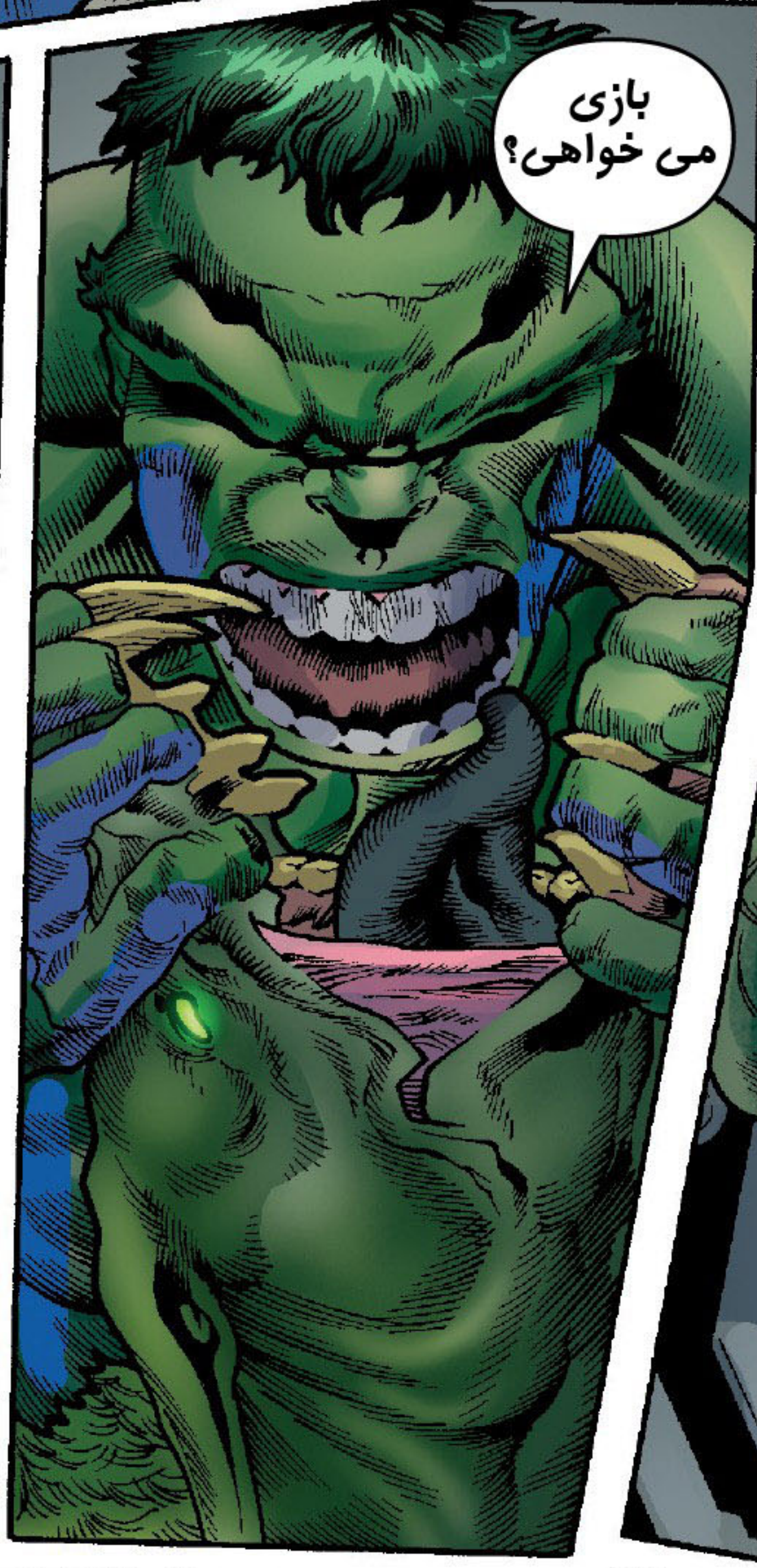
اوفه!

بعضی وقت ها این هیولای سبز بزرگه که داغون می کنه، چون تنها راهیه که می تونه باهش درد رو بریزه بیرون.

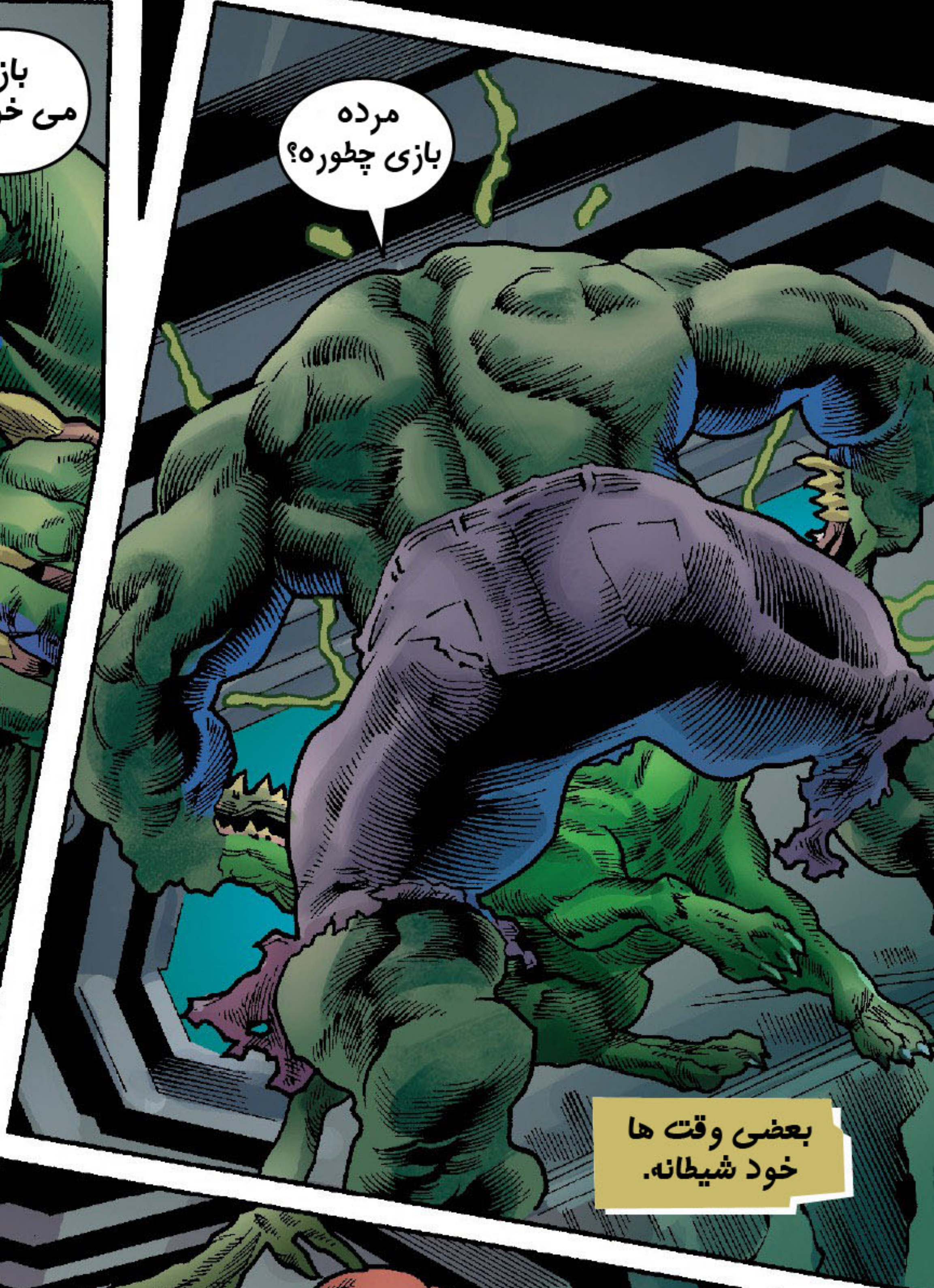
بعضی وقت ها با اون چشمان خاکستری سرد مثل سنگش چنان نگاهت می کنه که نشون می ده می دونه چطور بهت لطمه بزنه.



و تو...



بازی می خواهی؟



مرده بازی چطور؟

بعضی وقت ها خود شیطان.



و بعضی وقت ها شبیه یه آدمه.

هالک...
یه کم...
کمکم...

مثل کسی که بهش اعتماد داری.

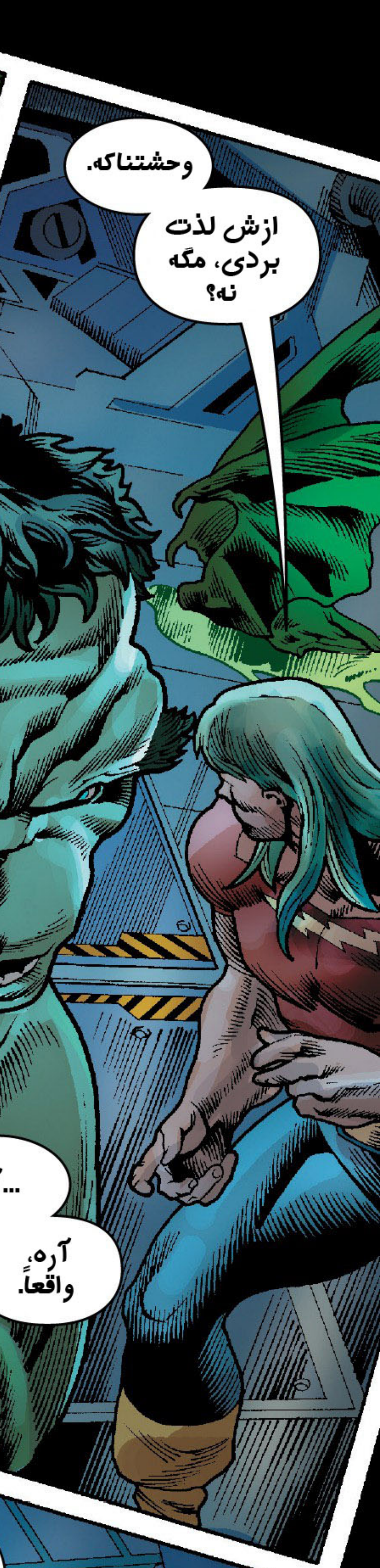
آره، آره.
فیلم ها رو دیدم.
همیشه...مردهای خفاشی
برنده می شن.

بسیارش
به من
سامسون.



به حسابش می رسم.

مثل یه پدر.



وحشتناکه.

ازش لذت بردی، مگه نه؟

...آره.

آره، واقعا.



و این خوب نیست...

نه، خوب نیست... سالم نیست.

منتظر بودم متوجه این موضوع بشی...



خفه شو سامسون. درباره اش فکر کن.

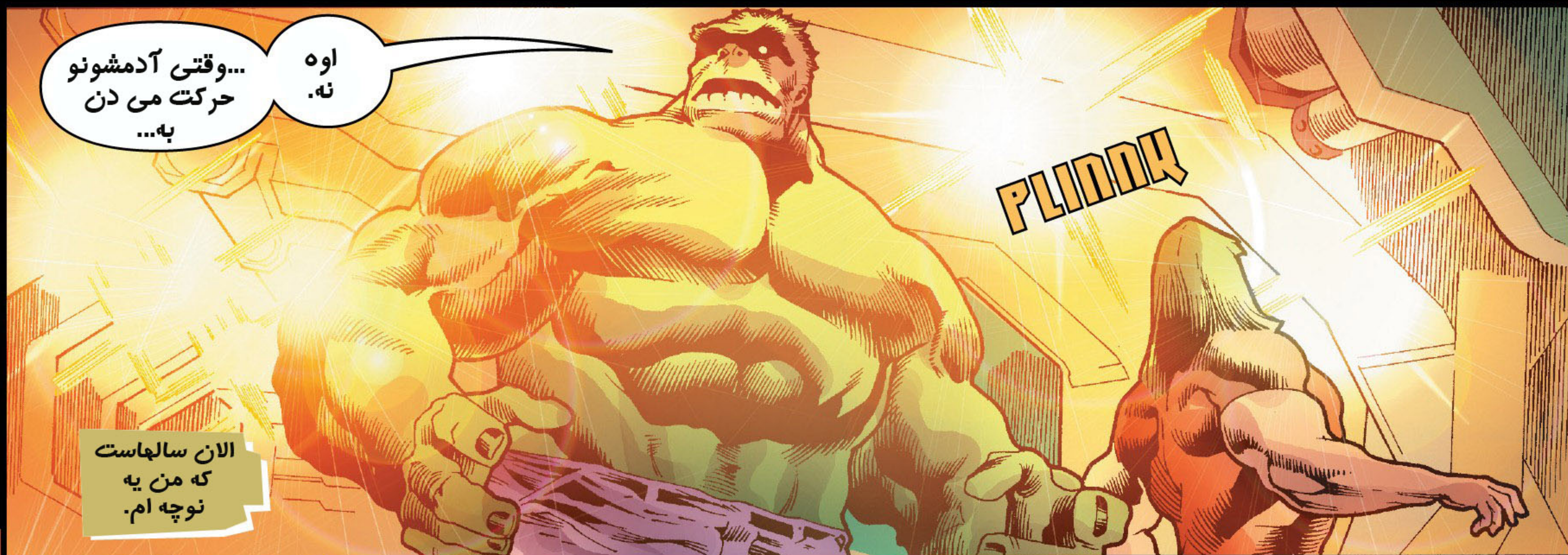
فکر می کنی پایگاه سایه سلاح های بیولوژیکش رو آزاد می داره؟ اونها رو آزاد گذاشتند تا من چیزی برای جنگیدن داشته باشم.

شادم می کنه. حواسمو پرت می کنه...



حالا.

یا شاید یه ژنرال.



اوہ
نہ...
...وقتی آدمشونو
حرکت می دن
به...

الان سالجاست
که من یہ
نوچہ ام.

خیلی چیزها
دیدم.



هالک...

آآآآ...

...رررر غغغ!!



چ-چی...؟
من بیدارم...؟

شبه...
باید وقت
اون باشه...



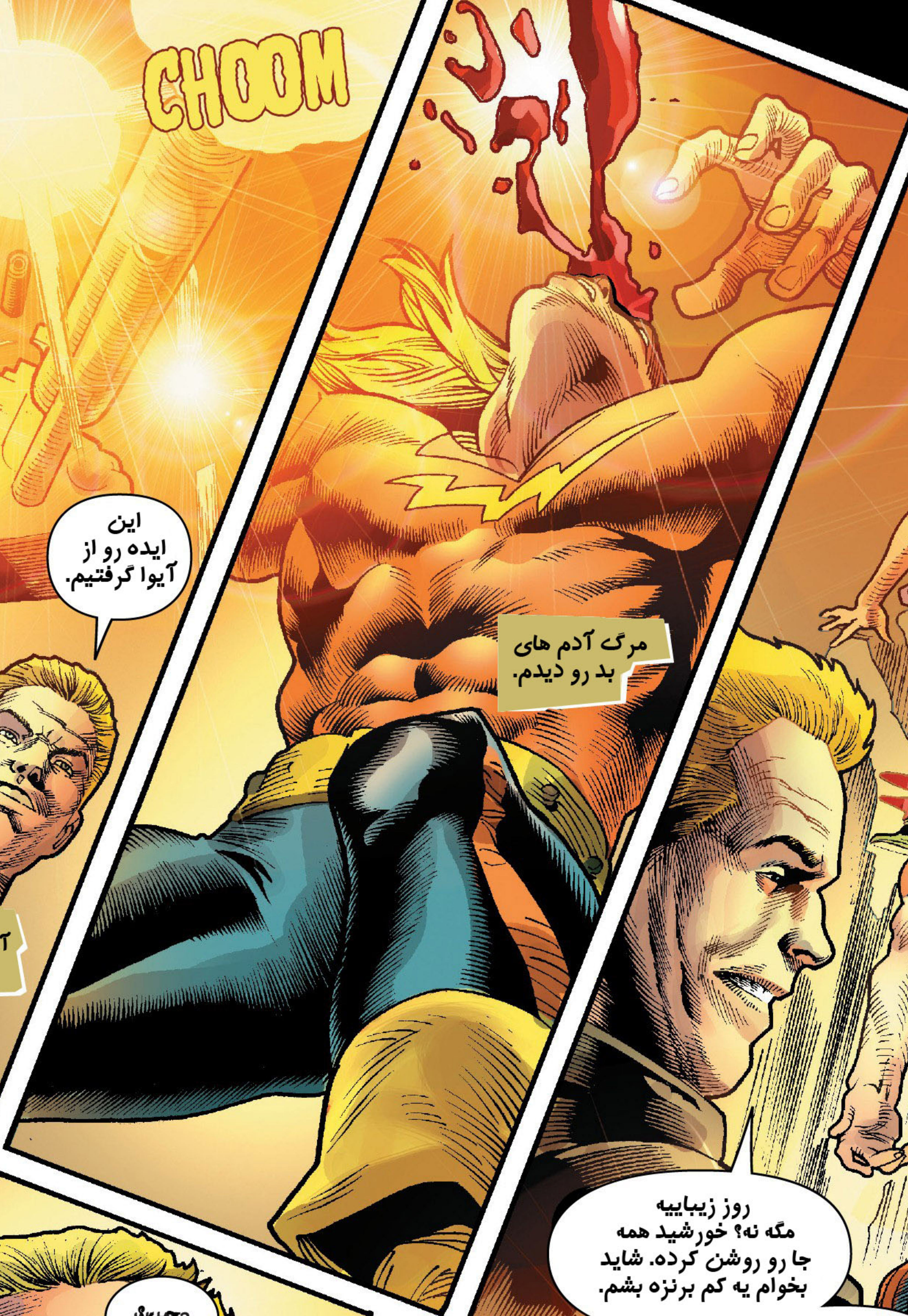
اشعه یو وی
که با نور مرئی ترکیب
شده.

پهشون
می گیم پرتابگر
خورشیدی،
پنر.



این
ایده رو از
آیوا گرفتیم.

من برد
آدم های بد
رو دیدم.



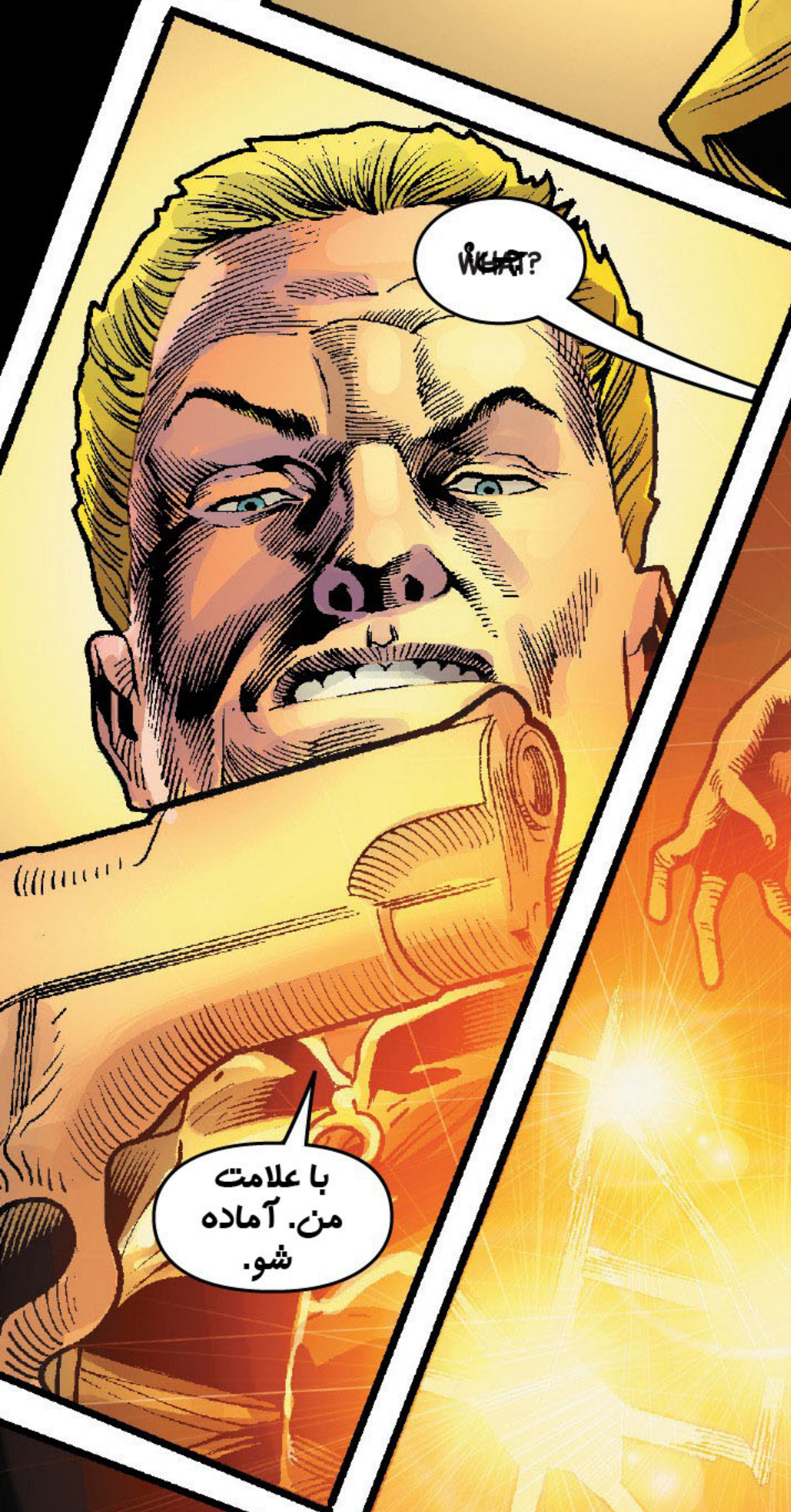
مرگ آدم های
بد رو دیدم.

لئونارد!



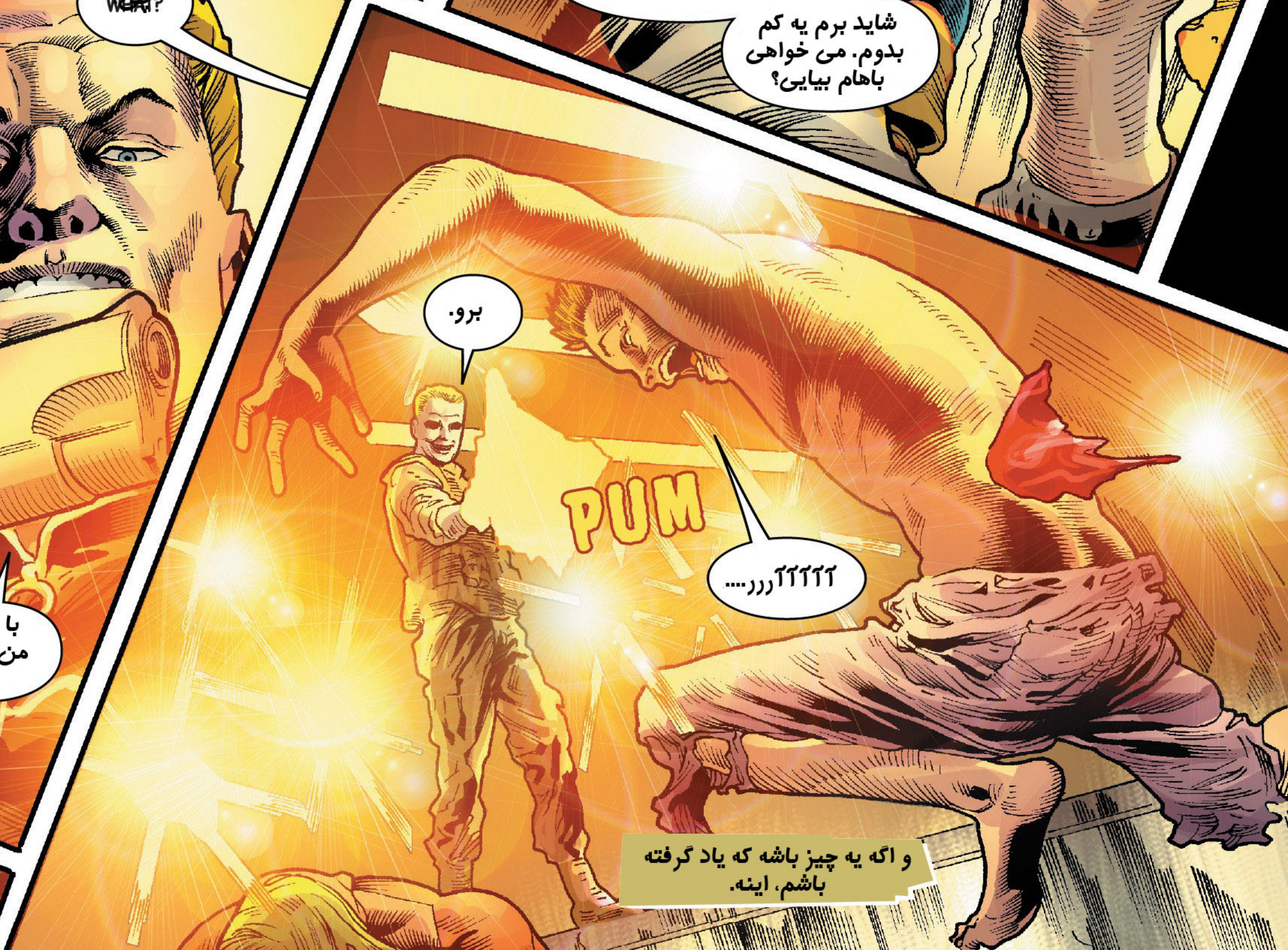
روز زیباییه
مگه نه؟ خورشید همه
جا رو روشن کرده. شاید
بخوام یه کم برنزه بشم.

شاید برم یه کم
بدوم. می خواهی
باهام بیایی؟



وکی؟

با علامت
من. آماده
شو.



برو.

PUM

آآآآآآآآآآ

و اگه یه چیز باشه که یاد گرفته
باشم، اینه.

می دونی همین
الان صدای غرغر ژنرال
تو گوشمه. مثل صدای
پدرم.

"مأمور بر پنگ!
کمین زن! با غذای
خودت بازی نکن،
پسر بدا!"

اگه هالک اینجا
بود بهت می فهموند.
ولی اون اینجا نیست،
هست پروس؟

PUM

هیولای واقعی تو زندگی
شما بلند بلند اراجیف نمی بافه.

پروس پسر
اینجاست! پروس پسر
تک تک لحظه ها رو
حسن کنه!

و پروس پسر
قراره آروم آروم
بمیره!

PUM 19
PUM

فخر نمی فروشه و
سخنرانی نمی کنه.

باید...
باید...

هه.

سرشو پایین
نگه می داره.

باید...
برم بیرون...
پنهان بشم...

باید
پنهان...

هیولای واقعی
آروم می مونه.

"پروس"
پسر.

یه خبری
برات دارم
نره غول.

باید به حسن
شهرتش فکر کنه.



من جو هستم

AL EWING WRITER

PAUL MOUNTS COLORIST

JOE BENNETT PENCILER

VC'S CORY PETIT LETTERER

RUY JOSÉ INKER

ALEX ROSS COVER

JOE BENNETT, BELARDINO BRABO & LAURA MARTIN; MIKE MCKONE & RAIN BEREDO VARIANT COVERS

SARAH BRUNSTAD ASSOCIATE EDITOR

WIL MOSS EDITOR

TOM BREVOORT EXECUTIVE EDITOR

C.B. CEBULSKI EDITOR IN CHIEF JOE QUESADA CHIEF CREATIVE OFFICER DAN BUCKLEY PRESIDENT ALAN FINE EXECUTIVE PRODUCER

HULK CREATED BY STAN LEE & JACK KIRBY

THE IMMORTAL WOLFE



دورنام

dorname.ir

مرجع کمیک های فارسی

AL EWING • JOE BENNETT
RUY JOSÉ • PAUL MOUNTS